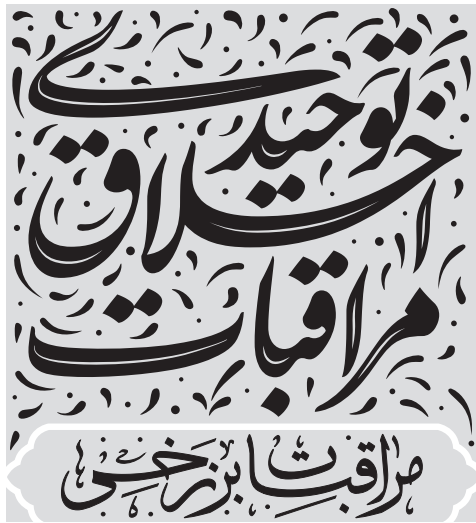


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



زیر نظر استاد محمد تقی فیاض بخش

سرشناسه:	امیری، مهدی، ۱۳۶۹-
عنوان و نام پدیدآور:	مراقبات اخلاق توحیدی/ پژوهش و تدوین مهدی امیری؛ زیر نظر محمدتقی فیاض بخش؛ [برای] موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی.
وضعیت ویراست:	ویراست ۲.
مشخصات نشر: تهران:	فیض فرزنان، ۱۴۰۱-
مشخصات ظاهری:	ج: ۱/۴ × ۵/۲۱ × ۵/۵ س.م.
شابک:	دوره: ۵-۱۹-۵۷۹۶-۶۲۲-۹۷۸؛ ۸۸۰۰۰۰ ریال؛
وضعیت فهرست نویسی:	ج. ۱: ۸-۱۸-۵۷۹۶-۶۲۲-۹۷۸؛ ج. ۲: ۱-۲۰-۵۷۹۶-۶۲۲-۹۷۸؛
یادداشت:	ج. ۳: ۴-۹-۹۵۹۹۵-۶۲۲-۹۷۸؛ ج. ۴: ۵-۰-۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۸؛
یادداشت:	ج. ۵: ۵-۸-۹۸۷۲۱-۶۲۲-۹۷۸
مندرجات:	فیفا ویراست قبلی کتاب حاضر با عنوان "سیر مراقبات عملی بنا بر مکتب تربیتی علامه طباطبایی رحمه الله علیه" در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است. کتابنامه.
عنوان دیگر:	ج. ۱. یقظه و توبه. - ج. ۲. مراقبه بر حدود الهی. - ج. ۳. مراقبه بر حریم داری الهی.
موضوع:	ج. ۴. مراقبات برزخی. - ج. ۵. مراقبات اخروی
موضوع:	سیر مراقبات عملی بنا بر مکتب تربیتی علامه طباطبایی رحمه الله علیه.
موضوع:	طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ -- دیدگاه درباره معنویت
موضوع:	Tabatabai, Seyyed Mohammad Hoseyn -- Views on spirituality
موضوع:	زندگی معنوی -- اسلام
	Spiritual life -- Islam
	معنویت -- اسلام
	Spirituality -- Islam
	انسان (عرفان)
	(Man) (Mysticism)*
شناسه افزوده:	فیاض بخش، محمدتقی، ۱۳۲۲-
شناسه افزوده:	موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی
رده بندی کنگره:	BP1۱/۵
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۰۴
شماره کتابشناسی ملی:	۸۸۲۲۲۶۵
اطلاعات رگورد کتابشناسی:	فیفا

مراقبات اخلاق توحیدی

جلد چهارم: مراقبات برزخی

زیر نظر: استاد محمدتقی فیاض بخش

پژوهش و تدوین: مهدی امیری

ناشر: فیض فرزنان

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۵۷۵-۰-۵

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶-۱۹-۵

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۷۹۷۴۷۵۰

برای اطلاع از دیگر محصولات مؤسسه، عدد ۱۰ را به سامانه

۰۲۱۳۳۹۸۷۹۹۰ پیامک کنید.

جلوه نور علوی

موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی

تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۸۷۹۹۰

سایت: www.jelveh.org

کلیه حقوق مادی و معنوی

این اثر متعلق به مؤسسه

جلوه نور علوی ع است.

فهرست مطالب

پیشگفتار ۷

فصل اول: مراقبه مرگ مطلق

مقدمه ۱۳
حقیقت مرگ و جدایی از دنیا ۱۳
ویژگی های حیات دنیا ۱۶
ناپایداری ۱۶
متاع قلیل ۱۷
فریبندگی ۱۹
محل امتحان ۲۰
نگاه های مختلف به دنیا ۲۲
حجاب دنیا، بالاترین حجاب ۲۶
نهی از دنیا طلبی و تشویق به طلب آخرت ۲۷
بینش توحیدی به دنیا ۲۸
آمادگی برای جدایی از دنیا ۲۹
مرگ و حیات در فرهنگ قرآن و روایات ۳۲
توجه به مرگ، میزان و مرقات ۳۷
نکته پایانی ۳۸
گزارش محتوا ۳۸
روز اول تا سوم: ویژگی های زندگی دنیوی؛ ناچیزی ۴۰
روز چهارم تا ششم: ویژگی های زندگی دنیوی؛ فریبندگی ۴۹
روز هفتم: ویژگی های زندگی دنیوی؛ موضع امتحان ۵۸
روز هشتم تا دهم: ویژگی های زندگی دنیوی؛ دنیا طلبی ۶۲
روز یازدهم تا سیزدهم: ویژگی های زندگی دنیوی؛ فناپذیری ۷۲
روز چهاردهم و پانزدهم: ویژگی های زندگی اخروی؛ پایداری ۷۹

روز شانزدهم تا هجدهم: برتری آخرت بر دنیا	۸۵
روز نوزدهم تا بیست و یکم: بازگشت همه به سوی خداوند متعال	۹۶
روز بیست و دوم تا بیست و چهارم: ملاقات با پروردگار	۱۰۵
روز بیست و پنجم: ویژگی های مرگ؛ سنت الهی	۱۱۶
روز بیست و ششم: ویژگی های مرگ؛ گریزناپذیری	۱۲۰
روز بیست و هفتم: ویژگی های مرگ؛ حتمیت	۱۲۳
روز بیست و هشتم تا سی ام: ویژگی های مرگ؛ غیرمنتظره	۱۲۷
روز سی و یکم تا سی و پنجم: ویژگی های مرگ؛ زمان مشخص	۱۳۶
روز سی و ششم تا سی و هشتم: ویژگی های مرگ؛ در تمام مکان ها	۱۵۲
روز سی و هشتم تا چهلم: ویژگی های مرگ؛ شامل تمام افراد	۱۵۹

فصل دوم: مراقبه مرگ مقید

مقدمه	۱۶۹
معنای دقیق مرگ	۱۶۹
استفاده از فرصت ها	۱۷۲
انس با مرگ	۱۷۵
وقایع درون قبر	۱۷۵
حکایت وفات سلمان	۱۷۶
گزارش محتوا	۱۸۴
روز اول و دوم: حقیقت مرگ	۱۸۵
روز سوم و چهارم: چرایی مرگ	۱۹۳
روز پنجم و ششم: ناخوشی از مرگ	۲۰۰
روز هفتم و هشتم: یاد مرگ	۲۰۶
روز نهم: آمادگی برای مرگ	۲۱۴
روز دهم تا سیزدهم: استفاده از فرصت ها	۲۱۸
روز چهاردهم تا هفدهم: قطع تعلقات	۲۳۱
روز هجدهم تا بیست و ششم: حالات احتضار	۲۴۶
روز بیست و هفتم: تغسیل	۲۷۸
روز بیست و هشتم: تکفین	۲۸۲
روز بیست و نهم: تشییع	۲۸۵
روز سی ام: تدفین	۲۸۹
روز سی و یکم تا سی و پنجم: ویژگی های قبر	۲۹۲
روز سی و ششم تا سی و هشتم: سؤال در قبر	۳۱۲
روز سی و نهم و چهلم: عذاب قبر	۳۲۲
فهرست منابع	۳۳۰

پیشگفتار

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾^۱

«هر کسی چشنده مرگ است و ما شما را به نوعی خیر و شر آزمایش می‌کنیم؛ و به سوی ما بازگردانده می‌شوید.»

جدایی از دنیا حقیقتی انکارناپذیر است. هر انسانی پس از ورود به عالم دنیا، به ناچار باید روزی از این عالم رخت بریندد و به عوالم اخروی سفر نماید. او باید این حقیقت را نصب‌العین خود قرار دهد و همواره متوجه این باشد که در عالم دنیا چونان مسافری است که چند صباحی جهت برداشت زاد و توشه رحل اقامتش را در کرهٔ خاکی افکنده است و هر آن باید منتظر ندای «الرحیل» فرشتهٔ مرگ باشد. چنین کسی در سیر به سوی محبوب، خود را مشغول امور ناچیز دنیوی نخواهد کرد و پیوسته در فکر ادامه مسیر تا رسیدن به لقای محبوب است.

در مقابل، کسی که زندگانی خود را در غفلت از عالم آخرت سپری کند، مرگ و جدایی از دنیا، شروع سختی‌های او خواهد بود؛

چون تمام وجودش را به دنیا و تعلقات دنیوی معطوف داشته است و هنگام جدایی از جهان سست‌بنیاد و معشوق دل‌فریب مجازی، متحمل دردهای زیادی خواهد شد.

«مجو درستی عهد از جهان سست‌نهاد

که این عجزه عروس هزارداماد است»^۱

خوشا آن که از خواب غفلت بیدار شده و با جبران مافات، گام در مسیر بندگی نهد. او پیوسته مراقب است تا حریم مولا را رعایت کند و هر عملی که از او سر می‌زند، دائماً متوجه حضور گواهان الهی است. چنین کسی همواره به یاد مرگ بوده و مقدمات سفرش را خود مهیا کرده باشد تا او را به اجبار به سوی عوالم بعدی نکشانند. هیچ‌گاه مرگ را فراموش نخواهد کرد.

نوشتار پیش رو، جلد چهارم از مجموعه «مراقبات اخلاق توحیدی» است که شامل مراقبه «توجه به منازل برزخی (با محوریت مرگ)» است. این مراقبه، دارای دو مرتبه است که در دو فصل مستقل به آن پرداخته شده است: مراقبه مرگ مطلق، مراقبه مرگ مقید. در هر فصل، مقدماتی پیرامون مراقبه هریک به همراه محتوای یک‌اربعین آورده شده است. مراد از مرگ مطلق، توجه دائمی به مرگ و انقطاع حیات دنیوی و جدایی از آن و رسیدن به عالم آخرت است؛ و مراد از مرگ مقید، همان مرگ متعارف است که با اتمام مدت عمر، روح از بدن انسان جدا شده و به عالم دیگر می‌پیوندد. محتوای هر روز به این ترتیب است: ابتدا آیه‌ای از قرآن کریم و سپس روایتی از کلام اهل بیت علیهم‌السلام آورده شده است. برای تلطیف فضای هر روز، به کلامی از بزرگان علم و معرفت و سپس اشعاری که تبیین‌کننده محتوای هر روز هستند، استناد شده است. محتوای بعدی، داستانی ناظر به مطالب روز است و سپس، ادعیه‌ای که

از لسان نورانی اولیای الهی علیهم السلام صادر شده است، پایان بخش مطالب روزانه هستند.

در پایان لازم می‌دانیم از حجت‌الاسلام مهدی امیری که مسئولیت این مجموعه را بر عهده داشت، کمال تشکر و قدردانی را به عمل آوریم. از حجت‌الاسلام علیرضا حمیدی مقدم نیز که همکاری شایانی در این اثر داشتند، قدردانی می‌نماییم. همچنین از استاد گران قدر محمدتقی فیاض بخش که این مجموعه به توصیه و تحت عنایات ایشان تدوین شد و حسن توجه، دقت نظر و رهنمودهای عالمانه ایشان بسیار راهگشا بود، کمال قدردانی و تشکر را داشته و توفیقات روزافزون از محضر استاد حقیقی وادی معرفت، حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، برای ایشان و همه اساتید معظم اخلاق مسئلت داریم و امیدواریم این اثر مقبول حضرت ایشان واقع شده و برای استفاده علاقه‌مندان مفید واقع گردد.

مؤسسه جلوه نور علوی علیهم السلام

فصل اول:
مراقبہ مرگ مطلق

مقدمه

حقیقت مرگ و جدایی از دنیا

فلسفه خلقت انسان، رسیدن به عالی‌ترین مرتبه در نظام کیانی است و این مهم نه فقط با انجام اعمال صالح و توشه برداشتن ثواب در حیات دنیوی است بلکه با انتخاب بهترین عمل نیک در میان گزینه‌های فراوان خیرات است؛ «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ»؛ آری! سراسر زندگی انسان عرصه امتحان و محک‌زدن خود در انتخاب بهترین‌ها و کشف گوهر بی‌همتایی است که خدای سبحان در درون انسان به ودیعه نهاده است. این سنجش به وسیله حقیقتی به نام «مرگ» رقم می‌خورد. در لحظه مرگ که هرگز فرصت دوباره به انسان داده نمی‌شود، او متوجه می‌شود که چقدر توفیق کسب بهترین‌ها را داشته است؛ پس با توجه به آیه فوق، می‌توان گفت: یکی از معیارهای سنجش رشد معنوی انسان، توجه به مرگ است؛ یعنی انسان چه میزان نسبت به مرگ و جدایی از عالم فانی، توجه و بصیرت

دارد؟ آیا خود را آماده ورود به عوالم دیگر کرده است؟ با کدامین کارنامه به لقای الهی می‌رود؟ امام سجاد علیه السلام در شب‌های ماه مبارک رمضان مکرر این دعا را زمزمه می‌کردند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْعُرُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالِاسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْقَوْتِ».^۱ همان‌طور که ذکر شد، توجه به عوالم پس از دنیا (مرگ و قبر و برزخ و قیامت)، منازل بالاتر مراقبات بعد از حریمداری است. سالک پس از طی مراحل قبلی، باید اندک‌اندک توجه کند که جایگاهش در این دنیا و فلسفه خلقت او در این عالم برای چیست؛ همچنین باید به انقطاع حیات دنیوی و مسافربودن خود توجه دائم داشته باشد؛ از این‌رو مراقبه بعدی «توجه» به عوالم قبر و برزخ و منزلگه ابدی» است. به تعبیر حضرت استاد سعادت‌پرور رحمته الله علیه، آنچه انسان‌ها را در سیر معنوی متوقف می‌کند، علقه‌های مادی است؛ و امکان ندارد بتوان در سلوک قدم از قدم برداشت مگر آنکه این بندها گسسته شود.

«جان‌گشاید سوی بالابال‌ها

در زده تن در زمین چنگال‌ها

خطوتینی بود این ره تا وصال

مانده‌ام در ره زشتت شصت‌سال»

و تنها راه آن، توجه به منازل بعد از دنیا و عقبات برزخ و قیامت است. آیات فراوان قرآن کریم پیرامون عوالم بعد از مرگ و توصیه‌های اهل بیت علیهم السلام در توجه به مرگ بیانگر اهمیت این مطلب در دستورات سلوکی است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله زیرک‌ترین مؤمن را کسی معرفی فرمودند که بیشترین توجه و آمادگی را برای مرگ دارد: «فَإِنَّ أَكْبَسَ الْمُؤْمِنِينَ أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا لِلْمَوْتِ وَأَشَدَّهُمْ لَهُ اسْتِعْدَادًا».

۱. «خدایا! جدایی از سرای فریبنده و اقبال به سوی سرای جاودانگی و آمادگی برای مرگ قبل از فرارسیدنش را روزی‌ام گردان!»؛ (إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۲۸).

در بیماری امام مجتبیٰ علیه السلام که به واسطه سم معاویه ملعون حاصل شده بود، جنادة بن ابی امیه بر آن حضرت وارد شد و دید که از دهان مبارک حضرت دائماً خون بر طشتی که مقابل ایشان بود، می ریخت؛ بعد از مختصر مکالمه ای، او استرجاع کرد و درخواست نصیحتی نمود؛ امام علیه السلام با حال نزاری که داشتند، اجابت نمودند و مطالبی فرمودند که سراسر اشاراتی به این مرحله از مراقبه و آثار آن دارد. گوشه ای از بیانات حضرت چنین است: «بدان که دائماً در طلب دنیا هستی، در حالی که مرگ به دنبال توست؛ هر مقدار در جمع مال تلاش کنی و فراوان بیاندوزی، بیش از قوت مقرر از آن بهره نخواهی برد و نسبت به مازاد، تو فقط خازن و نگهبانِ دیگران هستی؛ در حلال آن حساب و در حرامش عقاب و در شبهاتش عتاب است؛ دنیا را همچون مرداری بدان که از سر اضطرار، در حد نیاز از آن بهره ببری که اگر برای تو حلال باشد، زاهدانه زندگی کرده ای و حسابی نداری و اگر حرام باشد، کسی از مردار چیزی بر نمی دارد». سپس در پایان، حضرت علیه السلام قاعده کلی را که در این مراقبه باید دائماً در نظر داشت، بیان می فرماید: «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا»؛ برای دنیایت آن گونه عمل کن که گویا همیشه زنده هستی و فرصت جمع آوری دنیا را داری اما وقتی نوبت به آخرت می رسد، آن گونه عمل کن که گویا همین فردا خواهی مُرد و فرصتی نداری! انسان در این مراقبه باید در عین اینکه زندگی دنیایی خود را مدیریت می کند، مهیای مرگ نیز باشد. در دعای نوف بکالی آمده است

۱. «قال الامامُ المجتبیُّ علیه السلام فی مرضه الذی توفی فیهِ: وَاَعْلَمُ أَنَّهُ تَطْلُبُ الدُّنْيَا وَالْمَوْتُ يَطْلُبُكَ وَلَا تَحْمِلُ هَمَّهُ يَوْمَكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي أَتَتْ فِيهِ وَاَعْلَمُ أَنَّكَ لَا تَكْتَسِبُ مِنَ الْمَالِ شَيْئًا فَوْقَ قُوَّتِكَ إِلَّا كُنْتَ فِيهِ حَازِنًا لِعَيْتِكَ وَاَعْلَمُ أَنَّ فِي حَلَالِهَا حِسَابًا وَحَرَامِهَا عِقَابًا وَفِي الشُّبُهَاتِ عِتَابٌ فَأَنْزِلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ الْمَيْتَةِ خُذْ مِنْهَا مَا يَكْفِيكَ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ حَلَالًا كُنْتَ قَدْ زَهَدْتَ فِيهَا وَإِنْ كَانَ حَرَامًا لَمْ تَكُنْ قَدْ أَخَذْتَ مِنَ الْمَيْتَةِ وَإِنْ كَانَ الْعِتَابُ فَإِنَّ الْعِقَابَ يَسِيرُ وَاَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا»؛ (كفاية الأثر، ص ۲۲۸).

که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به خداوند تعالی عرض نمود: «إِنَّهُ مَنْ لَمْ يَسْعَلْهُ أَوْلُوْعُ بِذِكْرِكَ وَلَمْ يَزُوْهُ السَّفَرُ بِقُرْبِكَ كَانَتْ حَيَاتُهُ عَلَيْهِ مِيْتَةً وَ مِيْتَتُهُ عَلَيْهِ حَسْرَةً»؛^۱ خدایا! کسانی که خود را در زندگی رها کرده و برای سیر به سوی تو، خودشان را جمع نمی‌کنند، زندگیشان عین مردگی و مردن آنها شروع حسرتشان است.

ویژگی‌های حیات دنیا

در آیهٔ دوم سورهٔ ملک که در ابتدا به آن اشاره شد، مرگ در مقابل حیات (زندگی) قرار گرفته است که در یک نگاه، مراد از آن، زندگی دنیوی است. زمانی که انسان خلق شد، بنابر مصلحت و حکمت الهی در دار دنیا قرار گرفت تا سیر کمالی خود را از پایین‌ترین مرتبهٔ عوالم شروع کند و تحت تعالیم انبیای الهی بتواند خود را به مراتب عالی برساند، اما این عالم دارای ویژگی‌های فراوانی است که با زاویه نگاه انسان به آنها، می‌تواند مؤید و یا مانع سیر انسان در مراتب قرب الی الله باشد. تذکرات فراوان خداوند در قرآن در بیان خصوصیات حیات دنیوی هشدار می‌دهد؛ و مراقبات در هر مرتبه برای نجات سالک از صفات گوناگون دنیا و نیازدگی در منازل مختلف سلوک است؛ هرچند صفات ممدوح و مذموم دنیا در نصوص دینی فراوان است اما به تناسب این مرحله از مراقبه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ناپایداری

حیات دنیوی و لذت‌های آن زودگذر است و حیات حقیقی، عالم آخرت و حیات اخروی است؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٍّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا»^۲؛ بدانید که زشت و زیبایی دنیا، خوشی و

۱. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۵.

۲. نهج البلاغه، ص ۴۹۳.

ناخوشی آن، سختی و راحتی آن می‌گذرد و دنیا گذرگاه است؛ در این معبر، مردم دو دسته‌اند: گروهی خود را به دنیا می‌فروشند و اسیر و بنده دنیا می‌شوند و ابدیت خود را نابود می‌کنند؛ گروهی دیگر خود را می‌خرند و و از بند دنیا آزاد می‌کنند و روح خود را به سوی عالم ملکوت سیر می‌دهند. طبعاً کسی که می‌خواهد خودش را از دنیا بخرد، باید هزینه آن را بپردازد و به لوازم آن تن دهد.

«طلب منصب فانی نکند صاحب عقل

عاقل آن است که اندیشه کند پایان را»^۱

متاع قلیل

در فرهنگ قرآن عمر انسان در دنیا و نیز دورانی که تا قیامت در عالم برزخ طی می‌کند با همه عظمتش، «متاع قلیل»^۲ شمرده شده است؛ زیرا عمر دنیا در مقایسه با ابدیت - هر مقدار طولانی باشد - ناچیز است. در قیامت هنگامی که از مردم درباره مدت درنگ در عالم دنیا و برزخ سؤال می‌شود، پاسخ می‌دهند: یک و یا بخشی از روز بود؛^۳ و حتی مجرمان قسم یاد می‌کنند که تنها لحظه‌ای را در دنیا درنگ کردند: «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ»^۴.

«دنیا همه ساعتی و عمر تو دمی از بهر دمی عمر ابد را مفروش!»^۵

«جهان و کار جهان جمله هیچ در هیچ است

هزاربار من این نکته کرده‌ام تحقیق»^۶

۱. دیوان سعدی، مواعظ، شماره ۳.

۲. «لَا يَعْزُبُكَ تَقَلُّبُ الدِّينِ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ﴿٣٣﴾ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَاؤَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ؛ (آل عمران، ۱۹۶ و ۱۹۷).

۳. «قَالَ كَفَّ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿٣٣﴾ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلِّ الْعَادِينَ؛ (المؤمنون، ۱۱۲ و ۱۱۳).

۴. الروم، ۵۵.

۵. از رباعیات منسوب به خیام نیشابوری.

۶. دیوان حافظ، غزل ۳۶۶.

در چنین نگاهی سالک در ابتدای امر باید تمام هم و غم خود را صرف اصلاح زندگی ابدی خود نماید؛ او در میانه راه مشاهده می‌کند که اصولاً در دنیا زندگی نمی‌کند، بلکه در حقیقت در آخرت زندگی می‌کند و حیات دنیا، ظاهری از حیات اخروی است؛ البته در انتها اگر عنایت الهی به او مددی کند و تمکن در توحید پیدا کند، خودی نمی‌بیند و دنیا و آخرت را جلواتی از جمال محبوب می‌بیند و خود را دائماً در محضر مولا مشاهده می‌کند.

«که فرج تا که دیده بگشاده است نظرش بر جهان نیفتاده است»^۱ در چنین جهان بینی اولاً، تحمل ابتلائات برای انسان آسان می‌شود و ثانیاً، در این نگاه راه اغوای شیطان برای سالک بسته می‌شود؛ زیرا فریب شیطان از طریق زینت دادن دنیا و لذت‌گرایی و امید به حیات طولانی است و سالک همه این امور را در عالم آخرت و در انس با پروردگار می‌یابد.

در تعبیری دیگر از امام علی علیه السلام نقل شده است: «إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٍ وَ الْآخِرَةُ دَارٌ مُسْتَقَرٍّ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمُسْتَقَرِّكُمْ وَلَا تَهْتِكُوا أَسْرَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ»^۲. دنیا محل عبور است و نه ماندن و آخرت استقرار اصلی است؛ پس عاقل آن است که محل موقت را ذخیره‌ای برای ابدیت خود قرار دهد، این تعبیر حضرت علیه السلام، این فقره از حدیث شریف معراج را به ذهن انسان متبادر می‌کند که خداوند به رسول اکرم صلی الله علیه و آله

۱. از مرحوم بابا فرج پرسیدند: دنیا قدیم است یا حادث؟ گفت: من از آن زمان که دیده باز کرده‌ام، جهان را ندیده‌ام:

گفت بابا فرج حدیث تمام کین جهان مُخَدَّث است یا که قدیم؟ گفت بابا به او ز روی یقین که فرج تا که دیده بگشاده است وصف چیزی چه بایدت پرسید (راز دل، ص ۳۳۲).

۲. تصنیف غررالحکم، ص ۱۴۹.

فرمود: «وَالْآخِرَةُ مُسْتَرَاخُ الْعَارِفِينَ»^۱؛ دنیا محل کار و تلاش و توشه‌اندوزی است و استراحتگاه عارفان در عالم قیامت است و مرگ عارف آغاز لذت حقیقی اوست. اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام ضربت خوردن می‌فرماید: «فُزْتُ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ»^۲، تعارف نیست؛ واقعاً همین‌طور است.

فریبندگی

شیطان هنگامی که از مقام قرب الهی رانده شد، از پروردگار درخواست مهلت کرد و سپس با جسارت و قسم‌های شدید در مقابل خداوند صلی الله علیه و آله سوگند یاد کرد که احدی از بندگانت را رها نخواهم کرد و با زینت دادن دنیا، آنان را مغرور و زخارف آن می‌نمایم و همگی را با مکر و فریب و تزویر و تلبیس از طریق بندگی منحرف می‌کنم: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»^۳.

دنیا مهبط وحی الهی و متجر اولیای الهی است، به شرط آنکه چشم حقیقت‌بین افراد باز شود و فریب زیبایی‌های توخالی دنیا را نخورند. خداوند متعال در یک خطاب عمومی (نه فقط برای مؤمنین)، همه انسان‌ها را از فریفته شدن به دنیا نهی فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا»^۴. دنیا در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام، مانند ماری است که لمس آن نرم و لطیف، و نیش آن دردآور و کشنده است؛^۵ باید مراقب فریب این مار خوش‌خط و خال بود!

«بیا که قصرِ اَمَلِ سخت سُست‌بنیاد است

بیار باده که بنیادِ عمر بر باد است

۱. الوافی، ج ۲۶، ص ۱۴۵.

۲. خصائص الأئمة علیهم السلام (خصائص أمير المؤمنين علیه السلام)، ص ۶۳.

۳. الحجر، ۳۹.

۴. فاطر، ۵.

۵. «قال الإمام علي علیه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالْحَيَّةِ لَبِيبٌ مَسُّهَا قَاتِلٌ سَهْمُهَا»؛ (تصنيف غررالحكم، ص ۱۲۷).

غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود
 ز هرچه رنگِ تعلق پذیرد، آزاد است
 نصیحتی گنمت، یاد گیر و در عمل آر!
 که این حدیث ز پیر طریقتم یاد است
 مجو درستی عهد از جهان سُست نهاد
 که این عجزه، عروسِ هزار داماد است
 چه گویمت که به میخانه دوش مست و خراب
 سروش عالمِ غییم چه مژده‌ها داده است
 که ای بلندنظر، شاهبازِ سدره نشین!
 نشیمن تو، نه این گنج محنت آباد است
 تو را ز کنگره عرش می‌زنند صفیر
 ندانمت که در این دامگه چه افتاده است؟
 غم جهان مخور و پند من مبر از یاد
 که این لطیفه نغزم، ز رهروی یاد است
 رضا به داده بده، وز جبین گِره بگشای
 که بر من و تو، دَرِ اختیار نگشاده است
 نشان مهر و وفا نیست در تبسم گل
 بنال بلبل بیدل، که جای فریاد است»^۱

محل امتحان

خلقت انسان بر روی زمین و هبوط حضرت آدم علیه السلام از بهشت برین به عالم دنیا، برای اثبات مقام خلافت‌اللہی بود که خداوند استعداد آن را در همه بنی آدم قرار داد و این مهم در سایه امتحانات سخت به منصف ظهور می‌رسد؛ سالک هر مقدار در منازل سلوک پیشرفت بیشتری می‌کند، مبتلا به امتحانات سخت‌تری می‌شود تا مقام بالاتری به او عطا شود. امام صادق علیه السلام دربارهٔ رابطهٔ تنگاتنگ ابتلائات

۱. دیوان حافظ (قدسی)، غزل ۲۳.